

## سناریوهای آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی

محمد رضا مجیدی\*  
الهه خانی آرانی\*\*  
محمد عبداللهی\*\*\*

### چکیده

موضوع چشم‌انداز آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی مسئله‌ای حائز اهمیت در محافل علمی و سیاسی به شمار می‌رود. این موضوع با توجه به ظهور گروهک‌ها و عملیات تروریستی در خاورمیانه و کشورهای اروپای غربی، ابعاد امنیتی و سیاسی ویژه‌ای گرفته است. در این پژوهش، با توجه به روش‌های آینده‌پژوهی و سناریونویسی، سناریوهای ممکن و محتمل در خصوص آینده اسلام و مسلمانان در اروپا مطرح شده است. چهار سناریوی خوش‌بینانه: همزیستی و تنوع فرهنگی و آزادی عمل مسلمانان؛ سناریوی بدبینانه: اسلام‌زدایی و سکولارشدن اسلام؛ سناریوی معجزه: غالب شدن اسلام بر اروپا و سناریوی فاجعه: انزوای ذهنی و عملی مسلمانان و افزایش تنش‌ها به عنوان سناریوهای ممکن و محتمل مطرح شده و سپس به ارزیابی و اعتبارسنجی هر یک پرداخته شده است. محتمل‌ترین پیش‌بینی ترکیبی از رهیافت‌های مختلف خصوصاً ادغام‌سازی و ترویج اسلام فردی و تداوم اسلام هراسی، برای آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی است.

### واژگان کلیدی

آینده‌پژوهی، انقلاب اسلامی، اندیشه اسلامی، اسلام هراسی، اروپای غربی.

\*. دانشیار دانشکده مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و مدرس گروه معارف اسلامی. mmajidi@ut.ac.ir  
\*\*. دانش آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش انقلاب اسلامی. ui\_cut@yahoo.com  
\*\*\*. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. mabd31179@gmail.com  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۴  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲

## مقدمه

مسلمانان حدود ۴ درصد (تقریباً ۱۴ میلیون نفر) از کل جمعیت اروپای غربی را شامل می‌شوند، اما آینده آنها با در نظر گرفتن مسائلی چون جمعیت روزافزون و رشد اسلام در این منطقه، مهاجرت، ظهور تروریسم تکفیری و تروریسم اروپایی و ... سبب شده وضعیت مسلمانان در این منطقه، حائز اهمیت و بسیار کلیدی باشد.

برخی تحلیلگران، آینده اروپای غربی را از آن اسلام می‌دانند و اروپای آینده حتی یک قرن آینده را یک «اروپای اسلامی» ترسیم می‌کنند و در مقابل، تحلیلگران دیگری معتقدند مسلمانان روزبه‌روز در اروپای غربی منزوی‌تر و سکولارتر می‌شوند و نهایتاً از اسلام جز یک دین خصوصی شده و مطرود چیزی در اروپا نخواهد ماند. عده‌ای نیز بر این باورند که مسلمانان و دیگر آحاد جامعه اروپای غربی سرانجام به همگرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز خواهند رسید و با صلح و آرامش خواهند زیست. به‌راستی چه آینده‌ای در انتظار مسلمانان اروپای غربی است؟ کدام عوامل سبب انزوا یا رشد مسلمانان اروپای غربی می‌شود و کدام زمینه‌ها آینده آنان را رقم می‌زند؟ این سؤالات و پاسخ آنها موضوع پژوهش حاضر است.

## چارچوب نظری

آینده‌پژوهی<sup>۱</sup> به مطالعه روشمند آینده، تجسم آینده‌های بالقوه و مهندسی هوشمندانه آینده اطلاق می‌شود. آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها پرداخته می‌شود. آینده‌پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌یابد. گمانه‌زنی‌های سیستماتیک و خردروانه، در مورد نه فقط «یک آینده» بلکه «چندین آینده متصور» مبادرت می‌شود. (محمدحسینی و دیگران، ۲۰۱۴: ۸)

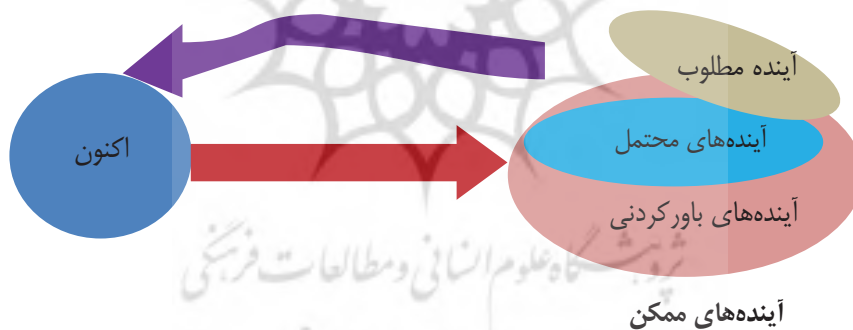
شروع علمی آینده‌پژوهی به انتشار کتاب «هنر حدس زدن» نوشته دوژوئل<sup>۲</sup> در ۱۹۴۶ و کتاب «تصویر آینده» نوشته پولاک<sup>۳</sup> در ۱۹۵۱ و باز می‌گردد و شروع کاربردی آینده‌پژوهی نیز تشکیل مؤسسه رند<sup>۴</sup> در سال ۱۹۴۵ در آمریکا بود. آینده‌پژوهی شامل دو پارادایم عمده است: آینده‌نگری<sup>۵</sup> و

1. Futures Study.
2. Bertrand de Jouvenel.
3. Frederik Lodewijk Polak.
4. The RAND Corporation.
5. Forecasting.

آینده‌نگاری<sup>۱</sup>. آینده‌نگری بیشتر در پی کشف و پیش‌بینی آینده است و دیدن آنچه در آینده رخ خواهد داد. اما آینده‌نگاری در پی نگاشت آینده است و خلاقانه و فعالانه به دنبال ساخت آینده مطلوب است؛ نه فقط کشف و نگرش در آن و لذا آینده‌نگاری، هنجاری و تجویزی است. براساس این دو پارادایم، آینده‌پژوهی دربرگیرنده سه‌گونه اصلی «ممکن»، «محتمل» و «دلخواه» برای دگرگونی از حال به آینده هستند. (برایسون، ۱۳۹۱) آینده‌پژوهی می‌کوشد تا با تصویر و ترسیم آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و ارائه اطلاعات و آگاهی‌های نسبتاً قوی بستری را فرا روی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران جامعه فراهم نمایند.

### ۱. انواع آینده

یک. آینده‌های ممکن<sup>۲</sup>: شامل تمامی وضعیت‌های ممکن است که می‌تواند در آینده اتفاق بیفتد.  
 دو. آینده‌های باورکردنی<sup>۳</sup>: آن دسته از موقعیت‌هایی که می‌تواند در آینده تحقق یابد. یا آن آینده‌هایی که براساس دانش فعلی بشر امکان‌پذیر است  
 سه. آینده‌های محتمل<sup>۴</sup>: آینده‌هایی که وقوع آنها از امکان بیشتری نسبت به سایر آینده‌های ممکن برخوردار است و به احتمال بسیار زیاد در آینده به وقوع خواهد پیوست. به‌عنوان نمونه ادامه روندهای فعلی از جمله آینده‌هایی است که احتمالاً اتفاق می‌افتد.  
 چهار. آینده‌های مرجح یا مطلوب<sup>۵</sup>: آنچه مطلوب‌ترین رویداد آینده به‌شمار می‌رود. (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۳: ۱۴۳)



1. Foresighting.
2. Possible Futures.
3. Plausible Futures.
4. Probable Futures.
5. Desirable Futures.

از جهت زمانی، آینده شامل چهار آینده نزدیک، کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت است. آینده نزدیک، به زمان حداکثر تا یک سال گفته می‌شود، آینده کوتاه‌مدت، بین یک تا پنج سال، آینده میان‌مدت، بین پنج تا بیست سال و آینده درازمدت، بین بیست تا پنجاه سال.

## ۲. روش‌های آینده‌پژوهی

روش‌های مختلفی برای پیش‌بینی آینده وجود دارد که بسته به موضوع پژوهش می‌توان از آنها کمک گرفت. معروف‌ترین این روش‌ها عبارتند از: روش توفان فکری،<sup>۱</sup> دیده‌بانی،<sup>۲</sup> روش دلفی،<sup>۳</sup> روش تجزیه و تحلیل روند،<sup>۴</sup> روش تجزیه و تحلیل پیش‌ران‌ها،<sup>۵</sup> تدوین چشم‌انداز،<sup>۶</sup> تدوین نقشه راه،<sup>۷</sup> پس‌نگری،<sup>۸</sup> شبیه‌سازی رایانه‌ای<sup>۹</sup> و درنهایت سناریوپردازی.<sup>۱۰</sup> سناریوها توصیفی قصه‌گونه و تصاویری از آینده محتمل هستند. سناریوها از اطلاعات مربوط به روندهای متنوع، تصاویری باورپذیر و سازگار از آینده ایجاد می‌کنند. سناریونگاری روشی برای بهبود تصمیم‌گیری در برابر آینده‌های ممکن و محتمل است. (وحیدی مطلق، ۱۳۸۷: ۴۳)

توجه به شگفتی‌سازها<sup>۱۱</sup> نیز یک اصل دیگر آینده‌پژوهی است. شگفتی‌سازها رویدادهای ناگهانی و بی‌نظیر (مثل حادثه ۱۱ سپتامبر) هستند که نقطه تغییر در مسیر تکامل یک روند یا سیستم به‌شمار می‌روند و پیامدهای مهمی در پی دارند. شگفتی‌سازها آن قدر قوی هستند که بسیاری از امور را زیرورو کرده و تفکر و برنامه‌ریزی اکثر مردم را دچار تغییرات رادیکال می‌کنند. (Cornish, 1995, p. 18 - 22)

## ۳. روش و گام‌های سناریونویسی

تاکنون برای روشمند کردن سناریونویسی تلاش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است. یکی از منظم‌ترین و منسجم‌ترین شیوه‌های نگارش سناریو، توسط شرکت شل انجام شده و متفکران این

1. Brainstorming.
2. Horizon Scanning.
3. Delphi.
4. Trends Analysis.
5. Drivers Analysis.
6. Visioning.
7. Roadmap.
8. Back Casting.
9. Computer Simulation.
10. Scenario.
11. wild card.

مجموعه خصوصاً پیتر شوارتز نقش مهمی در تبیین فرایند این روش داشته‌اند. پیتر شوارتز در کتاب «هنر دورنگاری» هشت گام را برای سناریونویسی ترسیم می‌کند. اما این مراحل، براساس موضوع مقاله در قالب ۴ گام اصلی ساده‌نویسی شده است:

**گام اول: فهرست کردن عوامل و نیروهای کلیدی ۱ و شناسایی نیروهای پیشران (محرك) شکل‌دهنده و مؤثر بر نیروهای کلیدی:** مجموعه‌ای از عوامل کلیدی و روندها و نیروهای کلان و پیشران وجود دارند همچون نیروهای پیشران اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، زیست محیطی و فناورانه که بر پیش‌بینی آینده تأثیر می‌گذارند. در گام اول، این نیروها و پیشران‌ها فهرست می‌شوند.

**گام دوم: رتبه‌بندی عوامل کلیدی و پیشران‌ها براساس اهمیت و عدم‌قطعیت آنها:** پس از تشخیص عوامل کلیدی خرد و نیروهای کلان و پیشران شکل‌دهنده به آنها باید آنها را مرتب کرده و میزان اثرگذاری آن را بر روند رویدادها مشخص کرد. هدف از این رتبه‌بندی، یافتن دو یا سه عامل یا روندی است که اهمیت زیاد و کمترین قطعیت را دارند.

**گام سوم: تدوین سناریوهای ممکن و انتخاب منطق‌های سناریو:** در این گام براساس نیروهای کلیدی و پیشران، انواع سناریوهای ممکن ارائه و عرضه می‌شود. هر نوع سناریویی که به ذهن‌خطور می‌کند با هر درجه از قطعیت بیان می‌گردد تا در مرحله آخر بنا به میزان قطعیت هریک، سناریوی احتمالی اصلی مشخص شود.

**گام چهارم: تدوین سناریوهای احتمالی.**

### گام‌های سناریوپردازی درباره آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی

گام ۱. عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر بر وضعیت و آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی

۱. تاریخ روابط اسلام، مسلمانان و اروپای غربی؛

۲. دولت‌های اروپایی و مسلمانان؛

۳. احزاب، حرکت‌ها و گروه‌های ضداسلامی؛

۴. احزاب حامی مسلمانان در اروپای غربی؛

۵. مؤسسات و سازمان‌های اسلامی در اروپای غربی؛

۶. جریان‌های فکری و هویتی عمده اسلامی در اروپا (وهابیت، اخوان المسلمین، اسلام دولتی ترکیه،

شیعیان و ...)

#### 1. Key Forces.

۷. اسلام‌هراسی؛

۸. تبعیض علیه مسلمانان.

پیشران‌های مؤثر با توجه به روند تغییر وضعیت اسلام و مسلمانان در اروپای غربی  
 یک. تغییرات جمعیتی مسلمانان اروپای غربی (بررسی آماری مسلمانان و پراکنش جغرافیایی)  
 دو. نمایانی هویت اسلامی در اروپای غربی  
 سه. جایگاه و وضعیت حقوقی مسلمانان در کشورهای اروپای غربی  
 چهار. جایگاه اجتماعی مسلمانان در اروپای غربی  
 پنج. وضعیت سیاسی مسلمانان در اروپای غربی  
 شش. روند سکولاریزاسیون مسلمانان

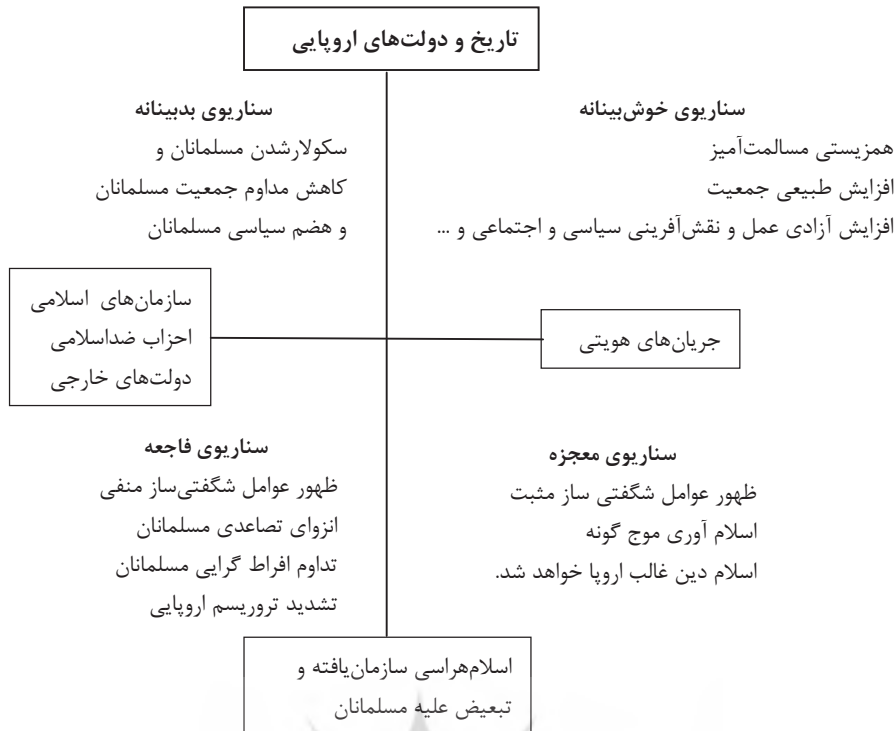
گام ۲. نیروهای کلیدی و پیشران به ترتیب اهمیت آنها عبارتند از:

میزان اثرگذاری	نیروهای کلیدی و پیشران
۵	دولت‌ها
۴	اسلام‌هراسی و روند سکولاریزاسیون مسلمانان
۴	تغییرات جمعیتی مسلمانان اروپای غربی
۴	تغییرات هویتی و نمایش هویت اسلامی در اروپای غربی
۴	جریان‌های خارجی
۴	وضعیت حقوقی و سیاسی مسلمانان اروپای غربی
۳	احزاب و گروه‌های موافق و مخالف
۲	تاریخ
۲	ذهنیت‌ها و تبعیض‌های عملی علیه مسلمانان

گام ۳. خلق سناریوهای آینده اسلام و مسلمانان در اروپا

بحث بر سر چشم‌انداز آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی بحثی جدی، حائز اهمیت و داغ در محافل علمی و سیاسی این کشورها است. بحثی که با توجه به ظهور گروهک‌ها و عملیات تروریستی در خاورمیانه و کشورهای اروپای غربی، ابعاد امنیتی و سیاسی ویژه‌ای دارد. در خصوص آینده ممکن اسلام و مسلمانان در اروپا با توجه به عوامل کلیدی، روندها و پیشران‌های یادشده، چند سناریو توسط نظریه‌پردازان و نخبگان این حوزه و محافل آکادمیک و سیاسی مطرح شده است. این سناریوها به دو دسته سناریوهای ممکن و محتمل قابل تقسیم است:

یک. سناریوهای ممکن آینده اسلام در اروپا



الف) سناریوی خوش‌بینانه: همزیستی و تنوع فرهنگی و آزادی عمل مسلمانان

سناریوی اول، ظهور اسلام به‌عنوان یک منبع هویت‌ساز برجسته برای نسل دوم و سوم مسلمانان در اروپاست. اسلام به‌عنوان یک هویت مطرح‌شده که پیرامون آن حرکت و جنبش و تحرک سیاسی در داخل جوامع مسلمان اروپا شکل می‌گیرد و گفتمانی است که به‌طور فزاینده‌ای همگرایی و همبستگی مهاجران را شکل می‌دهد. استفاده از اسلام به‌عنوان یک مقوله سیاسی نقطه کانونی این سناریو است. طبق سناریو پیش‌گفته، این پیش‌بینی وجود دارد که دولت‌های غربی سرانجام به ناکارآمدی سیاست تک‌فرهنگ‌گرایی، اسلام‌هراسی و تضعیف و تحدید و فشار علیه اسلام و مسلمانان پی برده و تصمیم به اتخاذ راهبرد چند فرهنگ‌گرایی بگیرند. طبق این سناریو، درنهایت اروپا ناچار خواهد شد میراث اسلامی در اروپا را پس از میراث‌های یهودیت - مسیحیت و یونانی - رومی به‌عنوان یکی دیگر از ستون‌های تمدن اروپا به رسمیت بشناسد. آنها مسلمانان را مثل یهودیان و مسیحیان در انجام مناسک و ارزش‌های دینی خود آزاد گذاشته و تمهیدات بیشتری برای بهبود کیفیت زندگی مسلمانان فراهم خواهند آورد. رعایت احترام متقابل و پذیرش اسلام به‌عنوان دینی صلح‌طلب و آرامش‌آور، فرض اصلی این سناریو است.

طارق رمضان، متفکر مسلمان از جمله معتقدان و تئوریزه‌کنندگان این سناریو است. او در کتاب «مسلمانان غرب و آینده اسلام» به شدت از سندروم اقلیتی که بسیاری از مسلمانان و یا گروه‌های به حاشیه رانده شده از آن رنج می‌برند، انتقاد می‌کند و ضمن قبول این مطلب که بسیاری از مسلمانان غرب با تبعیض‌های مختلف از جمله دشمنی و ترس روزافزون از اسلام و نژادپرستی روبه‌رو هستند، از آنها می‌خواهد ذهنیت در اقلیت بودن را از خود دور کنند. او از مسلمانان می‌خواهد فعالانه و از طریق شیوه‌های نوین و خلاقانه در جامعه، خوبی را ترویج کنند و با بدی بجنگند و گفتگوی میان ادیان را به‌عنوان یک نیاز ضروری جدی بگیرند.<sup>۱</sup>

#### ب) سناریوی بدبینانه: اسلام‌زدایی و سکولار شدن اسلام و مسلمانان (اسلام بدون شریعت)

سناریوی مدنظر شمار اندکی از مسلمانان اروپا به‌ویژه روشنفکران سکولار، مسیر هضم و ذوب کامل مسلمانان در فرهنگ غربی، فرهنگ‌پذیری و اسلام‌زدایی است. آنها معتقدند مسلمین اروپایی به تدریج جذب فرهنگ و جامعه اروپایی خواهند شد و فرهنگ اروپایی نیز متقابلاً چنین اسلامی را در درون خود خواهد پذیرفت. این سناریو بر آن است که به مرور زمان، مسلمانان اروپایی دیگر اسلام را نه به‌عنوان دین و ایدئولوژی بلکه به‌عنوان بخشی از تمدن و فرهنگ اسلامی تلقی خواهند کرد. الیویه رواء، بانی سعید و ... از طرح‌کنندگان این سناریو و تجویزات دنباله آن هستند.

اولیویه رواء، از تئوریسین‌های ایده «اسلام اروپایی» از این قبیل متفکران است که شکل آینده اسلام در اروپا را «اسلام سکولار» می‌داند. رواء وضعیت آینده مسلمانان در غرب را تشکیل اجتماعی از مسلمانان به‌عنوان زیرمجموعه فرهنگی غرب توصیف می‌کند و به‌صراحت آینده‌ای جز سکولار شدن و بسنده کردن به ایمان شخصی و فردی را برای مسلمانان اروپا متصور نیست: «این جامعه مسلط و غالب است که نه تنها جایگاه بلکه ماهیت آنچه را به نام «جامعه مسلمانان» می‌نامیم، تعریف و مشخص می‌کند. آنچه ما تحت‌عناوین مختلف شاهد آن هستیم در واقع تلاش‌هایی است که اسلام به‌عنوان فقط یک «مذهب ساده» بر مبنای ایمان شخصی و آزادی فرد به‌گرویدن (یا نگرودیدن) به جامعه مسلمانان ساخته شود». (روا، ۱۳۸۷: ۹۳) او رادیکال شدن اسلام در اروپا را نتیجه غربی شدن مسلمانان در اروپا می‌داند که به علت شکاف میان شرایط اجتماعی اروپا و سبک‌های زندگی سنتی مسلمانان به وجود آمده است. (Roy, 2003: 63-74)

آیهان کایا نیز معتقد است نسل جوان مسلمانان اروپا با تمایز میان تلقی از اسلام به‌عنوان یک «فرهنگ» و یک «مذهب»، دین سنتی والدین خود را به‌عنوان یک «فرهنگ» کاملاً نمی‌پذیرند و با

1. Ramadan, Western Muslim & The Futur of Islam.



استفاده از اینترنت و ابزارهای نوین ارتباطی در جستجوی اسلام به‌عنوان یک «مذهب» و نه یک «سنت» هستند. (Kaya, 2010: 52)

هابرماس می‌گوید:

ما امروزه در اروپای غربی از چیزی به نام «اسلام اروپایی» سخن می‌گوییم. مقصود ما از این عبارت این است که دین اسلام، دین گروه‌های مسلمان در جوامع غربی، دارد همان پروسه هضم معرفتی را از سر می‌گذرانند. دین برای این افراد دیگر منجی برای استخراج جهان‌بینی به‌شمار نمی‌رود، این همان چیزی است که من به آن «فروپاشی» می‌گویم. (هابرماس، مجله معرفت، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

راهکار و تجویز اتاق فکر نظام سرمایه‌داری غرب برای این چالش عمیق و این سناریو، سکولارسازی عقاید مسلمانان اروپا و اصطلاحاً جذب و هضم آنها در سکولاریسم اروپایی است. آنچه در محافل سیاسی و رسانه‌ای ایده «اسلام اروپایی» خوانده می‌شود و ایجاد جریان موازی اسلامی از نوع لیبرال و ایجاد شبکه مسلمانان سکولار و معتقد به «اسلام سکولار شده» را مدنظر دارد. «برای نمونه بنگاه پژوهش رند<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین مراکز استراتژیک پژوهشی و سیاست‌گذاری امریکا در گزارش ۲۱۷ صفحه‌ای خود، طرح ایجاد «شبکه‌های مسلمان میانه‌رو»<sup>۲</sup> را به‌عنوان راه‌حل نهایی جهت مهار جریان‌ات اسلام‌گرا به‌ویژه افراط‌گرایی مطرح نموده و معتقد است که با ایجاد چنین شبکه‌ای می‌توان در نبرد غرب با اسلام بهره جست. (Rabasa and others, 2007) دولتمردان اروپایی بر این باورند که راه‌حل مقابله با ورود اندیشه‌های افراطی از خاورمیانه به سایر مسلمانان، معکوس‌سازی این روند و ارسال نسخه اروپایی اسلام به دیگر نقاط جهان اسلام است. بر همین اساس، آنها شبکه‌سازی از مسلمانان سکولار در گروه‌هایی همچون: دانشگاهیان و روشنفکران مسلمان لیبرال و سکولار، محققان دینی معتدل جوان، فعالان اجتماعی، فمینیست‌ها، روزنامه‌نگاران و نویسندگان معتدل (لیبرال) را در دستور کار خود قرار داده‌اند. فرانسیس فوکویاما بیان می‌کند: «ناکامی اروپا در جذب بهتر مسلمانان به‌عنوان یک بمب ساعتی است». (Fukuyama, 2006: 5 - 20)

اسلام تجویزی در این رویکرد که با تعبیری چون «اسلام اروپایی»، «اسلام فرهنگی»، «اسلام لیبرال» و.. شناخته می‌شود، اسلام لیبرالی است که در عرصه دینی فارغ از دغدغه شریعت‌گرایی و یا حداقل فارغ از دغدغه قضاوت شریعت‌گرایانه است. آنها اسلام را در حد یک معنویت‌گرایی کاهش می‌دهند و به‌راحتی بسیاری از سمبل‌ها و نشانه‌های اسلامی در نوع پوشش، نوع تغذیه، انجام مناسک

1. The Rend Corporation.
2. Building Moderate Muslim Network.

اسلامی و قواعد تعامل اسلامی را کنار گذاشته و یا نسبت به آن بی تفاوت هستند. (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۴)

این سناریو الگویی از «شبه شدن» با جوامع اروپایی را مطرح و فرض می کند اسلام به تدریج به بخشی از حوزه خصوصی تبدیل شده و در چارچوب مرزهای مشخص قلمرو مذهب ادامه می یابد و در نهایت با الگوی مسلط دینی در اروپا همنا می گردد. چنین دیدگاهی از سوی روشنفکران مسلمان همچون محمد طلحی تونسسی، محمد سعید العشماوی مصری و نظریه پردازان سکولار چون محمد ارغون، فاطمه مرنیسی و بسام طیبی مطرح می شود. نویسندگان مختلف تلاش کرده اند از «فردی شدن اعتقادات دینی به عنوان یک تحول عمده در جوامع مسلمان اروپا» (Peter, 2006: 105) یاد کنند. یکی از طرفداران اصلی این دیدگاه، ژاکلین سزاری از صاحب نظران بحث اسلام در اروپاست که معتقد است ورود مسلمانان به چارچوب تکثرگرایی اروپا منجر به ظهور «فرد مسلمان»<sup>۱</sup> خواهد شد و تغییری را رقم خواهد زد که هنوز به کشورهای اسلامی نرسیده است. (Ibid)

### ج) سناریوی معجزه: غالب شدن اسلام بر اروپا (اسلام اروپا را خواهد گرفت)

این سناریو توسط دو دسته یعنی لائیک های تندرو و محافل صهیونیستی در اروپای غربی و آمریکا و نیز برخی مسلمانان آرمان گرا مطرح می شود. برنارد لوئیس، بروس باور، بات یعور، موشه فیگلین، رابرت اسپنسر از مطرح کنندگان مهم این سناریو هستند.

برنارد لوئیس اظهار می دارد که اروپا حداکثر تا پایان قرن بیست و یکم اسلامی خواهد شد:

اروپا جزئی از غرب، عرب یا مغرب خواهد شد. مهاجرت و روند جمعیتی این را نشان می دهد. اروپاییان دیر از دواج می کنند و کم بچه دار می شوند یا اصلاً بچه دار نمی شوند. اما روند مهاجرت نیرومند است. ترک ها در آلمان، اعراب در فرانسه، پاکستانی ها در انگلیس با توجه به روندهای موجود، حداکثر تا پایان قرن بیست و یکم اکثریت مسلمانان در جمعیت اروپا سکنی خواهند یافت.

برنارد لوئیس مطرح می کند که «از دیدگاه بخش افراطی مسلمانان ساکن اروپا، موج سوم حمله

به اروپا آغاز شده است». (Lewis, 2007: 12)

فوکویاما نیز به صراحت می گوید که:

مسلمانان هویت اروپاییان را تهدید می کنند. او از اروپاییان می خواهد با قوت بیشتری از هویت فرهنگی پگانه خود دفاع کنند و تسلیم مسلمانان مهاجری نشوند که جذب فرهنگ میزبان نمی شوند. (جعفری ولدانی، ۱۳۹۴: ۱۱۰)

### 1. Muslim Individual.

مطرح‌کنندگان این سناریو، در اثبات نظر خود به شواهدی چون افزایش جمعیت مسلمانان و تقویت هویت‌نمایی آنان در اروپای غربی استناد می‌کنند. آنها تأکید دارند که اولاً رشد زاد و ولد مسلمانان در اروپا تقریباً رو به افزایش است. ثانیاً نسل جدید مسلمانان با اصالت غیراروپایی، گرایش بیشتری به اسلام و عمل به واجبات آن دارند تا نسل قدیم و این موضوع با بالا رفتن سطح تحصیلات و پیشرفت ارتباطات فراگیرتر می‌شود. ثالثاً نسل‌های جدیدتر، مسلمانان را نسبت به تلاش برای احقاق حقوقشان جدی‌تر و اصولی‌تر کرده است. آنها به شکل نگران‌آمیزی این موضوع را مطرح می‌کنند در حالی که روزه‌روز هویت مذهبی و حضور در مراسم مذهبی در کلیسا به سرعت در حال کاهش است و چهار هزار کلیسا طی ۱۵ سال اخیر تعطیل شده، مساجد در حال افزایش هستند.

اعمال فشار و ایجاد محدودیت و ممنوعیت‌های عدیده و گسترده علیه مسلمانان و مهاجران حاصل فضای هراس‌آلود تبلیغاتی این سناریو است. آنان ممنوعیت‌ها علیه مسلمانان را در راستای خطر گسترش اسلام و بازیابی روح سکولاریسم در این قاره ارزیابی می‌کنند و تأکید می‌کنند که علت این محدودیت‌ها، تصور دولت‌های اروپای غربی از آینده اسلام در کشورشان یعنی قدرت گرفتن فزاینده اسلام در این منطقه است. نظریه یورابیا (اروپای عرب‌شده) حاصل پرورش این سناریو است.

در مقابل، برخی تحلیلگران اروپایی، سناریوی اسلامی شدن اروپا و مفاهیمی چون یورابیا را اغراق‌آمیز و بدبینانه و غیرواقعی می‌دانند و تنها وجه تبلیغاتی و اسلام‌هراسی برای آن قائل هستند. مت‌کار می‌گوید:

آنچه به‌عنوان یک تئوری توطئه عجیب و غریب تحت‌عنوان یورابیا مطرح شد به یک فانتزی خطرناک اسلام‌هراسی تبدیل شده است. (Carr, 2006: 8)

#### د) سناریوی فاجعه: انزوای ذهنی و عملی مسلمانان و افزایش تنش‌ها

این سناریو «تشدید انزوای ذهنی و عملی» مسلمانان اروپا را مطرح و بیان می‌کند که شمار روزافزونی از پیروان اسلام به این نتیجه خواهند رسید که نمی‌خواهند با جوامع دیگر و فرهنگ آنها اشتراک داشته باشند و تلاش می‌کنند یک جامعه بسته برای خود بسازند.<sup>۱</sup> استدلال این سناریو آن است که برخی گروه‌های مسلمان در اروپای غربی وجود دارند که هیچ تلاشی برای ارتقا و هماهنگی ارزش‌های خود با جامعه ندارند و بلکه سعی می‌کنند خود را تا حد ممکن از این جوامع منزوی سازند. یکی از جریان‌هایی که طرفدار جدایی مسلمانان از دیگر گروه‌ها در اروپا بوده، جماعت تبلیغی (الدعوه) است.

1. Soysal, "Changing Parameters of Citizenship and Claims - Making: Organized Islam in European Public Spheres", Kluwer Academic Publishers.

این سناریو «افراط‌گرایی شدید» مسلمانان و شکل‌گیری نوعی برخورد بین مسلمانان و شهروندان اروپایی را پیش‌بینی می‌کند. این الگوی مبتنی بر منازعه مطرح می‌کند که اسلام در آینده ابزاری برای اعتراض اجتماعی در دست برخی گروه‌های مسلمان اروپا خواهد بود که مورد تبعیض قرار گرفته یا خود را قربانی حاشیه‌ای شدن و محرومیت اجتماعی تلقی می‌کنند. این سناریو رشد محبوبیت گروه‌های تکفیری چون حزب التحریر و پیوستن شماری از مسلمانان و غیرمسلمانان اروپایی به داعش و ... را پیش‌بینی می‌کند.



دو سناریوهای محتمل درباره آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی اینکه کدام‌یک از این سناریوها شامل: اسلام‌زدایی، شبیه شدن به اروپا، ادغام، منزوی شدن، منازعه و اسلام‌هویت‌ساز غالب شود به عوامل متعددی بستگی دارد. اما آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی، احتمالات و سناریوهای محتمل‌تری را هم پیش می‌نهد. ارزیابی تغییر و تحولات عوامل مختلف طی ۴ دهه گذشته، می‌تواند به تدوین سناریوهای محتمل‌تر کمک کند. این تغییرات عبارتند از:

الف) روند دین‌گرایی، تضعیف سکولاریسم و تقویت روند ضد جداسازی<sup>۱</sup>

تا چند دهه پیش، در غرب معاصر بسیاری از مناقشات تاریخی - مذهبی ته‌نشین شده و یا حداقل کاهش یافته بود. با افزایش جمعیت مسلمانان در اروپای غربی، معنویت‌گرایی نوینی در این منطقه آغاز شد که به هر صورت از غلظت سکولاریسم به نفع دین و ورود دین به معادلات سیاسی کاسته است. از همین رو، برخی تحلیلگران اروپایی درست برخلاف روند سکولاریسم سابق، معتقدند امروزه روند سکولاریزاسیون که به‌طور کلاسیک شامل جدا بودن دولت از کلیسا و پرهیز مقام‌ها از کاربرد زبان مذهبی در گفتمان سیاسی بود به تدریج در اروپا در حال تغییر شکل است. روند «سکولاریزاسیون‌زدایی»<sup>۲</sup> و دین‌گرایی در جهان امروز، رویکرد قدرتمندی است. پیترو ال برگر می‌گوید: «جهان امروز جهانی به شدت دینی است و نمی‌توان آنچنان که بسیاری از تحلیلگران نوگرا خواه از روی تفنن و خواه از روی یأس، اعلام کرده‌اند، جهانی سکولار نامید». (Berger, 1967: 3 - 16) ال برگر این بحث را مطرح می‌کند که انسان‌ها به یک «سایبان مقدس»<sup>۳</sup> برای فهم جهان نیاز دارند، زیرا بی‌معنایی تهدیدی علیه ما به یک جهان منظم است. (Berger, 1967: 3-16)

بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی نظیر هدلی بال<sup>۴</sup> قرن بیستم را قرن گسترش فرهنگ غرب مدرن با چشم‌انداز سکولاریسم توصیف می‌کردند. (Mortimer, 1997: 7) اما در قرن بیست‌ویکم و هزاره جدید، عواملی آینده سکولاریسم و گسترش فرهنگ غرب مدرن را با چالش مواجه کرده که مهم‌ترین آن را می‌توان در رشد گرایش به مذهب به‌طور عام و گرایش به اسلام به‌طور خاص عنوان نمود. از این رو در اروپای امروز، نهاد سیاست متکی به نهاد دین است و دین بنیان و اساس سیاست است. به همین دلایل است که جمله معروف «ساختن شهری بدون زمین آسان‌تر از ساختن دولتی بدون دین است» بیان شده است. طی چهار دهه گذشته خصوصاً از ابتدای قرن بیست‌ویکم ورود زبان مذهبی و معنوی در گفتمان سیاسی دولت مردان اروپایی افزایش یافته است و به‌علاوه بازیگران مذهبی نیز بیشتر وارد ساختار حکومتی شده‌اند.

درواقع، این روند به‌نوعی ضد جدایی‌سازی مذهب / دولت را تقویت کرده است. درحالی‌که یکی از پایه‌های اصلی تئوری و فرآیند سکولاریزاسیون، جدایی این دو است. وقتی در فضای اروپا یکی از مناقشه برانگیزترین مسائل، بحث حجاب مسلمانان و یا مناره‌های مساجد باشد، معنای عمیق‌تر آن

1. De-Differentiation.
2. Desecularization.
3. Sacred canopy.
4. Hedly Bull.

این است که «دین» در اروپای سکولار دوباره مطرح شده است. به علاوه، مشکلات شدید اقتصادی و خلاً مطلق معنویت، گرایش دوباره اروپا به دین را در پی داشته است. هرچند این مسئله به ظاهر مقاومت‌های شدیدی را پیش‌رو دارد. همین موضوع می‌تواند راز گرایش بیشتر به اسلام در طول دهه اخیر با وجود امواج شدید اسلام‌هراسی را بگشاید. چراکه انتظار می‌رود با تبلیغات شدید اسلام‌هراسانه، موج گرایش به اسلام کاهش یابد، ولی چنان‌که مطرح شد، عکس این انتظار اتفاق افتاده است. بدین‌نحو که اسلام‌هراسی از یک‌سو در سه جهت تأثیرگذار بوده است. حساس کردن بی‌تفاوت‌ها، نفرت‌پراکنی لائیک‌ها و مسلمان کردن کنجکاوها.

#### ب) تداوم اسلام‌هراسی و سکولاریسم بنیادگرا و گسترش پدیده تروریسم اروپایی (سکولار)

در سال‌های اخیر کشورهای چون فرانسه، اتریش، ایتالیا، دانمارک، انگلیس و هلند شاهد ورود جنبش‌ها و گرایش‌های حاشیه‌ای افراطی به سیاست عمومی بوده‌اند که موضوع اصلی آنها مهاجرت‌ستیزی و اسلام‌ستیزی بوده است. افراد و گروه‌هایی که نسبت به مذهب دید خوبی ندارند، آنها هم سکولاریسم را پوششی جدید از یک دین می‌دانند که سبب شده تاریخچه خشونت سکولاریسم بسیار پیچیده‌تر شود. (Bangstad, 2009: 188 - 208)

مسلمانان به‌طور نرم، ایدئولوژی سکولاریسم را به چالش کشیده‌اند. شاید به همین دلیل هم واکنش سختی به نام سکولاریسم بنیادگرا تولید شده است. سکولاریسمی که حتی گاهی به آرمان‌های خود نظیر قوانین اروپایی و آزادی هم وفادار نیست. سکولاریسم اروپایی در عصر روشنگری، در مقابل تعصب کور مذهبی و استبداد کلیسایی قرار داشت و در دورانی تثبیت شد که مردم اروپا از جنگ‌ها و خون‌ریزی‌های مذهبی و خشونت کلیسا به ستوه آمده بودند. معاهده وستفالی در ۱۶۴۸ میلادی که پس از جنگ‌های ۳۰ ساله مذهبی منعقد گشت، به‌عنوان مبدأ تثبیت سکولاریسم اروپایی قلمداد می‌شود. اما امروز خود اروپایی‌ها هم قبول دارند که سکولاریسم نه‌تنها ایده‌ای برای آزادی نیست بلکه قالبی از بنیادگرایی و تحدید آزادی‌های مذهبی است.

از سوی دیگر، اسلام‌هراسی و تبعیض آشکاری که در اجرای قوانین اروپایی به مسلمانان تحمیل می‌شود به ایجاد، گسترش و تشدید «بنیادگرایی سکولاریستی و لائیک» انجامیده است. یک نویسنده اروپایی رابطه اسلام‌هراسی و بنیادگرایی سکولاریستی فرانسوی را چنین توصیف می‌کند: «جدایی دین و حکومت یکی از آن اصول جمهوری‌خواهی است که همه از آن حرف می‌زنند. اما به نظر می‌رسد سکولاریسم در فرانسه مسیر اشتباه را انتخاب کرده است. درواقع سکولاریسم به قالبی از بنیادگرایی مبدل شده است که بر ضد مسلمانان فرانسه جبهه گرفته است. سیاستمداران و

متفکرین متعددی ابراز داشته‌اند که اسلام (دین دوم فرانسه) با جمهوری‌خواهی متعارض است.» (Graham, 2006: 40) از همین رو سکولاریسم فرانسه را تحریک کننده و ناعادلانه خوانده‌اند. «اما جالب آنکه، در فرانسه برخی سکولارتر از بقیه هستند! درحالی که مسلمانان مجبورند از قوانین مدارس دولت سکولار تبعیت کنند، کودکان کاتولیک مختارند یکی از هزاران مدرسه کاتولیک که به طریق معکوس پایه نظام تحصیلی کشور فرانسه هستند، را انتخاب نمایند. در ضمن مدارس یهودی و پروتستان نیز وجود دارد. (Ibid: 26-45)

این گرایش‌ها سبب ظهور و بروز پدیده‌ای جدید در اروپا با عنوان «تروریسم اروپایی»، «تروریسم غربی» یا «تروریسم سکولار» شده است. تروریسم عبارت است از خشونت علیه غیرنظامیان بی‌گناه، که برای حمایت از یک مسئله سیاسی به کار گرفته می‌شود و تروریسم اروپایی، نوعی از ترور توسط بنیادگرایان سکولار است که اغلب علیه مسلمانان صورت می‌گیرد. از عملیات‌های تروریستی بسیار مهم راست‌های افراطی می‌توان به حادثه تروریستی مونیخ آلمان (۱۹۸۰)، حوادث تروریستی ۱۹۸۳ در اروپا، حادثه اوکلاهما در امریکا (۱۹۹۵)، بمب‌گذاری ۱۹۹۹ لندن، حادثه تروریستی جولای ۲۰۱۱ نروژ و ... نام برد.

حمله به مسلمانان با چاقو، اسیدپاشی، روسری کشیدن از سر زنان، نوشتن شعارهای نژادپرستانه بر روی دیوارهای مساجد و ... از جمله شیوه‌های ابراز اعتراض و تنفر این افراد از اسلام و مسلمانان است. گزارشات برو، سازمان پیشگیری از جرایم نشان می‌دهد که اقدامات علیه مسلمانان به شکل‌های مختلف مانند دشنام و ناسزا، تف انداختن، نامه‌های تهدیدآمیز و یا گذاشتن سر بریده خوک جلو در مساجد افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۵ بیش از ۲۰۰ مورد شکایت از این‌گونه رفتارهای تهدیدآمیز به پلیس داده شد که نسبت به سال ۲۰۱۲ بیش از دوبرابر بود.<sup>۱</sup> بنا به اعلام سازمان تل ماما،<sup>۲</sup> حوادث خیابانی و خارج از فضای مجازی از ۱۶۵ مورد در سال ۲۰۱۴ به ۴۳۷ مورد در تقویم سال ۲۰۱۵، یعنی حدود سه برابر افزایش یافته است. این آزارها علاوه بر سخنان نژادپرستانه، اذیت و آزار کلامی و زورگویی در فضای مجازی، در دنیای واقعی شامل توهین لفظی، آزار و اذیت متداول، ضرب و شتم شامل آسیب جسمانی عمدی و شدید می‌شوند.

گسترش عملیات‌های تروریستی علیه مسلمانان درست به موازات عملیات تروریستی گروهک‌های سلفی، جامعه اروپای غربی را دچار تنش و ناامنی کرده است. اسلام‌هراسی سبب شده تا

1. <http://mohabatnews.com/fa/?p=16681>.

۲ سازمان ثبت کننده میزان حملات ضد مسلمانان: tellmama.

بازنده این سیاست خود غرب باشد به نحوی که امروزه در برخی از لایه‌های پنهان اجتماع و فرهنگ غرب، خطر بازگشت فاشیسم و نازیسم به شدت احساس می‌شود. (مجیدی و صادقی، ۱۳۹۳: ۴۱۷) با توجه به افزایش مداوم و مستمر این روند و همچنین حاکمیت فضای سکولار و لائیک بر افکار و عقاید قاطبه دولتمردان غربی به نظر می‌رسد اسلام‌هراسی و به تبع آن، افزایش خشونت‌های سکولار علیه مسلمانان همچنان طی سال‌های آتی در اروپای غربی تداوم داشته باشد.

#### ج) آینده جمعیتی مسلمانان اروپای غربی: کاهش شتاب و ثبات رشد جمعیتی مسلمانان

آمار و ارقام مختلف و متعددی درباره آینده جمعیتی مسلمانان در اروپای غربی ارائه می‌شود. در گرایش‌های اسلام‌هراسانه، آمارها و پیش‌بینی‌ها از آینده جمعیتی مسلمانان بزرگ‌نمایی می‌شود تا اولاً اروپایی‌ها به حضور مسلمانان حساس شوند و ثانیاً برای افزایش میزان زاد و ولد، انگیزه بیابند. برخی از این پیش‌بینی‌ها بیان می‌کنند که تعداد مسلمانان اروپا در ظرف ۳۰ سال آینده، ۳ برابر خواهد شد. براساس گزارش انجمن مرکز تحقیقات پیو (PEW) انتظار می‌رود جمعیت مسلمان جهان در ۲۰ سال آینده تا حدود ۳۵ درصد افزایش یابد و از ۱/۶ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۰ به ۲/۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۳۰ برسد و اگر روند کنونی به همین ترتیب ادامه یابد، اکثریت مسلمانان جهان (حدود ۶۰ درصد) در منطقه آسیا - اقیانوسیه سکونت خواهند کرد، حال آنکه امروز تقریباً ۲۰ درصد آنها در خاورمیانه و شمال افریقا ساکن هستند. همچنین مسلمانان ساکن اروپا و آمریکا همچنان در اقلیت باقی خواهند ماند اما بخش قابل‌توجهی از کل جمعیت این مناطق را به خود اختصاص خواهند داد. طبق این گزارش در اروپا نسبت مسلمانان ظرف ۱۵ سال آینده تا حدود یک سوم افزایش می‌یابد و از ۶ درصد ساکنان منطقه در ۲۰۱۰ تا ۸ درصد در ۲۰۳۰ تغییر کند.

طبق این گزارش انتظار می‌رود در انگلستان، مسلمانان ۸/۲ درصد جمعیت این کشور (در مقایسه با ۴/۶ درصد فعلی) را در سال ۲۰۳۰ تشکیل دهند. در اتریش پیش‌بینی می‌شود که مسلمانان به ۹/۳ درصد از جمعیت در سال ۲۰۳۰ برسند، اما در حال حاضر ۵/۷ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. در سوئد این نرخ ۹/۹ درصد (هم‌اکنون ۴/۹ درصد)، در بلژیک ۱۰/۲ درصد (هم‌اکنون ۶ درصد) و در فرانسه ۱۰/۳ درصد (هم‌اکنون ۷/۵ درصد) خواهد بود. مرکز پیو با در نظر گرفتن رشد منفی جمعیت اروپا تأکید می‌کند که بسیاری از کارشناسان معتقدند، کشور فرانسه تا ۲۰۴۸ به یک «جمهوری اسلامی» تبدیل خواهد شد، و آلمان در مسیر تغییر به یک «دولت اسلامی» تا سال ۲۰۵۰ است.

مرکز تحقیقات PEW در رابطه با آینده ادیان در جهان نیز برآورد کرده است که جمعیت مسلمانان اروپا تا سال ۲۰۵۰ با جمعیت مسیحیان در اروپا برابر می‌شود. از لحاظ کمی، مؤسسات



آمارگیری پیش‌بینی می‌کنند که جمعیت مسلمانان اروپا از ۴۴/۱ میلیون نفر در ۲۰۱۰ تا ۵۸/۲ میلیون نفر در سال ۲۰۳۰ رشد داشته باشد. بیشترین افزایش - که عمدتاً ناشی از تداوم مهاجرت‌هاست - احتمالاً در اروپای غربی و شمالی رخ خواهد داد که مسلمانان ساکن در برخی از کشورها به درصد دورقمی نزدیک می‌شوند. پیش‌بینی می‌کند در سال ۲۰۳۰، جمعیت مسلمانان بیش از ۱۰ درصد از کل جمعیت ۱۰ کشور اروپایی از جمله فرانسه و بلژیک را تشکیل دهد. برخی پیش‌بینی می‌کنند در چند دهه آینده، برخی از شهرهای بزرگ اروپایی، اکثریتی مسلمان داشته باشند. افرادی نظیر لورتس معتقدند: «در سال ۲۰۳۰ تعداد کمی از شهرهای اروپایی به داشتن «اکثریت مسلمانان» مشرف می‌شوند. شهرهایی نظیر آمستردام، برادفورد، مالمو و مارسل اینگونه‌اند، همچنین از هر چهار نفر یک نفر در شهرهای لندن، بروکسل، پاریس و برلین مسلمان خواهد بود» (Laurence, 2010: 123) اما از طرف دیگر امثال دیوید کالمن<sup>۱</sup> جمعیت‌شناس معتقدند تا قرن بیست‌ودو در هیچ‌کدام از کشورهای اروپایی «اکثریت خارجی تبارها» به وجود نخواهد آمد. (Coleman, 2005: 422)

همان‌طور که آمارها نشان داد مسلمانان اکنون حدود ۵ درصد جمعیت اروپا را تشکیل می‌دهند. بخش زیادی از افزایش جمعیت، مربوط به نرخ مهاجرت بوده نه باروری. یکی از دلایل این امر ظهور نسل دوم و سوم مهاجران در اروپا است: «به طور مثال بر طبق آمار آخذشده در سال ۲۰۰۱ در انگلستان، ۴۶ درصد از مسلمانان ساکن در این کشور در انگلستان زاده شده‌اند» (Westoff and Frejka, 2007: 787)

اما برخی بالاتر بودن نرخ باروری مسلمانان در اروپا نسبت به غیرمسلمانان اروپایی را نشانه‌ای از بالاتر بودن اعتقادات مذهبی در میان مسلمانان می‌دانند. مسلمانان اروپایی به‌طور تقریبی سه‌برابر سایر اروپایی‌ها فرزند دارند که این نکته از آمار نوجوانان نیز مشخص می‌شود. به‌طور مثال، در آلمان یک‌سوم مسلمانان زیر ۱۸ سال دارند، در حالی که یک‌پنجم کل جمعیت آلمان زیر ۱۸ سال دارند. در انگلستان و بلژیک، یک‌سوم مسلمانان زیر ۱۵ سال دارند، اما در این کشورها یک‌پنجم کل جمعیت زیر ۱۵ سال دارند. به همین دلیل است که برنت نیلسون<sup>۲</sup> استاد دانشگاه فورمان<sup>۳</sup> و متخصص مسائل مذهبی در اروپا چنین تحلیل می‌کند: «به علت وضعیت پراکندگی سنی جمعیت مسلمانان، اگر همین فردا هم مهاجرت متوقف شود، باز رشد جمعیت آنها ادامه خواهد یافت». با روند موجود جمعیت ۴۵۵ میلیونی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۵۰ به ۴۲۵ میلیون تنزل خواهد کرد حتی اگر همین میزان مهاجرت ادامه داشته باشد.

1. David Caleman.
2. Brent Nilsen.
3. Furrman University.

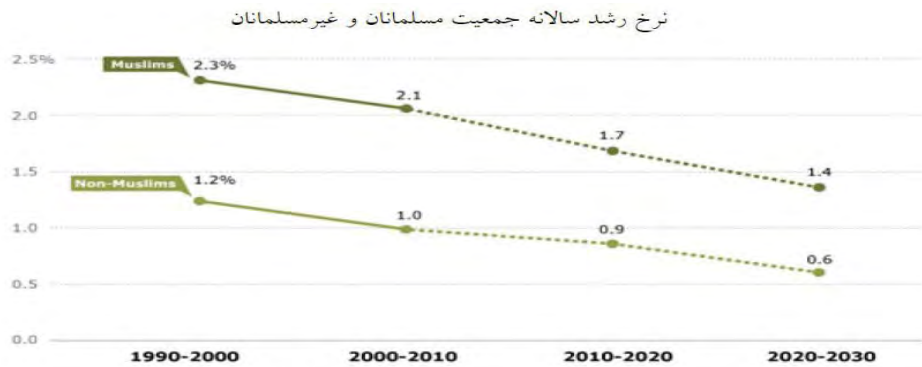
برخلاف آنچه تبلیغ می‌شود، روند زاد و ولد و باروری مسلمانان در طول سه دهه گذشته، روند کاهشی داشته و شیب آن در حال کم شدن است. به طور مثال «شاخص<sup>۱</sup> TFR در زنان انگلیسی از ۲/۳ تولد به ازای هر زن در سال ۱۹۷۱ به ۱/۶۷ در سال ۱۹۹۶ کاهش یافته درحالی که این آمار در مدت زمانی مشابه در میان ساکنان هندی‌الاصل انگلستان از ۴/۳ به ۲/۲۱ و در میان پاکستانی‌ها و بنگلادشی‌ها از ۹/۳ به ۴/۹ کاهش یافته است. (Ibid: 792) در سال ۲۰۰۸ نرخ باروری زنان مسلمان با پیش‌زمینه شمال آفریقا، غرب آفریقا یا ترکیه بین ۲/۳ تا ۳/۳ فرزند به ازای هر زن بود. اما نرخ باروری زنان مسلمانی که در اروپا به دنیا آمده‌اند (نسل دوم) با آنهایی که در وطن اصلی خود به دنیا آمده‌اند (نسل اول) بسیار متفاوت است. ضمناً در برخی از نقاط اروپا نرخ باروری افزایش داشته است. مثلاً نرخ باروری زنان انگلیسی از ۱/۶ فرزند در سال ۲۰۰۶ به ۱/۹ در سال ۲۰۰۷ رسید و در فرانسه از ۱/۷ در سال ۱۹۹۳ به ۲/۱ در سال ۲۰۰۷ رسید. به‌رحال پیش‌بینی می‌شود نرخ باروری زنان مسلمان در سال ۲۰۳۰ در اروپا بین ۱/۷۵ تا ۲/۲۵ فرزند باشد. (Laurence, 2010: 126) پس همان‌طور که ملاحظه می‌شود نرخ باروری هم در میان مسلمانان و هم در میان اروپایی‌های بومی کاهش یافته، اما نکته آن است که اختلاف شاخص TFR میان مسلمانان اروپایی و اروپایی‌های بومی به‌طور مستمر کاهش یافته است. به‌عبارت دیگر نرخ باروری مسلمانان در حال کاهش به سمت نرخ باروری اروپایی‌های بومی است. (Westoff and Frejka, 2007: 807)

مهاجرت به کشورهای اروپای غربی نیز با وجود قوانین متعدد ضد‌مهاجرتی همچنان ادامه دارد. فرانسه در سال ۲۰۱۰ روند مشخص قابل پیش‌بینی از ۶۶۰۰۰ مهاجر مسلمان از شمال آفریقا داشت. همچنین تخمین زده می‌شود بیش از یک‌چهارم (۲۸/۱ درصد) کل مهاجران جدیدالورود به انگلستان در سال ۲۰۱۰ مسلمانان باشند. آلمان نیز در سال ۲۰۱۶ برای چهارمین سال پیاپی، اکثریت تقاضای‌های پناهندگی را ثبت کرده است. (۶۷۵ هزار درخواست)

### کاهش شتاب رشد جمعیت مسلمانان

باین‌حال، رشد جمعیت مسلمانان اروپا، طی دهه‌های اخیر با کندی پیش‌رفته است و احتمالاً طی ۲۰ سال آینده کاهش خواهد یافت. از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ جمعیت مسلمانان جهان با میانگین نرخ سالانه ۲/۳ درصد رشد یافته است. نرخ رشد از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ به ۲/۱ درصد کاهش یافته و پیش‌بینی حاکی از آن است که از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ به ۱/۷ درصد و از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ تا ۱/۴ درصد نیز با افت محسوسی روبه‌رو شود.

1. TFR: Total Fertility Rates.



در تحلیل کلی باید گفت مسیر تغییرات دموگرافیک اروپا برگشت‌ناپذیر است، ولی نه در شکل اغراق‌ناهایی اورابیا. مروجان ادبیات اورابیا به‌جای آنکه تحلیل جمعیت‌شناسی منطقی ارائه دهند نوعی اسلام‌هراسی اجتماعی را پیگیری می‌کنند. واقعیت آن است که کاهش مستمر نرخ باروری در میان مسلمانان به موقعیت و ترکیب سنی جمعیتی آنها لطمه خواهد زد، اما در صورت به تعادل رسیدن و میرا شدن در وضعیت فعلی با توجه به افزایش سطح رفاه آنان، وضعیت مناسبی در چشم‌انداز پیش‌روی مسلمانان اروپایی خواهد بود. سیر تغییرات جمعیتی نشان می‌دهد آن‌گونه که اسلام‌هراسان می‌گویند تا ۱۰ سال آینده بیش از ۴۰ درصد جمعیت اروپا مسلمان نخواهد بود. امروزه در واقعیت تنها بین ۵ تا ۷ درصد و حداکثر ۱۰ درصد از جمعیت اتحادیه اروپا مسلمان هستند. اما مسلمانان در وضعیتی قرار دارند که چشم‌انداز تاثیرگذاری آنها در فضای اروپا به لحاظ جمعیتی، نشاط جوانی و هویت فعال مذهبی روبه رشد خواهد بود. (مجیدی و صادقی، ۱۳۹۳: ۲۵۶)

باین‌حال، مسلمانان طی سال‌های آتی، کسر قابل‌توجهی از جمعیت کشورهای اروپایی را خواهند داشت. در سال ۲۰۳۰ درصد مسلمانان در فرانسه و آلمان بین ۱۵ تا ۱۶ درصد خواهد بود. در سال ۲۰۳۰ جمعیت اقلیت‌های کشور انگلستان با احتساب اقلیت‌های غیرمسلمان به ۲۷ درصد جمعیت انگلستان خواهد رسید که ۳۶ درصد از آنها زیر ۱۴ سال خواهند داشت. (Laurence, 2007: 125) این جمعیت جوان و پراکنده طبیعتاً در سال‌های بعدی حضور و نقش دین در غرب را افزایش خواهد داد.

## نتیجه

آینده اسلام و مسلمانان در اروپای غربی: ترکیبی از سکولارسازی و تکثرگرایی فرهنگی بنابر آنچه گفته شد، محتمل‌ترین پیش‌بینی ترکیبی از رهیافت‌های مختلف برای آینده اسلام و

مسلمانان در اروپای غربی است. بی‌تفاوتی و رویگردانی سیاسی و بسنده کردن به مناسک و عبادات اسلامی، آینده شمار کثیری از مسلمانان است. تداوم روند سکولارسازی و اسلام‌هراسی و تبعیض، بخش بزرگی از مسلمانان را به سمت اسلام فردی و خصوصی (منحصر در عبادات) و اسلام سکولار و بدون شریعت سوق خواهد داد تا بتوانند به بقای خود در جامعه انحصارگرای اروپای غربی خصوصاً در فرانسه و بلژیک ادامه دهند. از سویی، بخش دیگری از مسلمانان همچنان به رعایت حدود شرعی و اسلامی خود پایبند خواهند ماند و تلاش خواهند کرد دولت‌ها را وادار به احترام به تکررگرای و حفظ حقوق اقلیت اسلامی نمایند. خصوصاً در آلمان و انگلستان. هردو رفتار انزواجویی و سلفی‌گرایی همچون امروز، اقلیتی از مسلمانان را جذب خواهد کرد و عملیات‌های تروریستی چه تروریسم تکفیری و چه تروریسم سکولار در جامعه اروپای غربی تشدید خواهد شد. به‌طورکلی نسبت مستقیمی بین اسلام‌هراسی و اعمال فشار و تبعیض علیه مسلمانان با افزایش تروریسم تکفیری و تروریسم سکولار و ناامنی جامعه غرب وجود دارد. توقف اسلام‌هراسی، و ایجاد امواج مثبت رسانه‌ای در نمایش همسویی و همزیستی و دوستی مسلمانان با اروپاییان، کمک بزرگی به کاهش خشونت‌گرایی در هردو طیف مسلمان و لائیک خواهد بود.

در این میان، آنچه می‌توان این سرنوشت و چشم‌انداز را تغییر دهد، عوامل شگفتی‌ساز است. این‌که عامل شگفتی‌ساز از سوی مسلمانان یا از سوی سکولارها صورت گیرد، معادلات را به نفع طرف مبتکر تغییر خواهد داد. وقوع حادثه‌ای همچون ۱۱ سپتامبر، وقوع عملیات‌های متعدد و زنجیره‌ای تروریستی و کشتار بی‌گناهان زیادی از غیرمسلمانان اروپایی، می‌تواند مثال‌هایی از شگفتی‌سازهای سکولار باشد.

در آن سو، وقوع یک عملیات خون‌بار تروریسم سکولار و قربانی شدن مسلمانان بی‌گناه، اسلام آوردن خیل بزرگی از چهره‌های سرشناس خصوصاً چهره‌های هنری و ورزشی و یا چهره‌های اسلام‌ستیز سیاسی، به راه افتادن کمپین‌های مجازی و حقیقی مثلاً برنامه بزرگ اعطای خیریه و کمک در مناسبت‌های مذهبی همچون ماه رمضان و ماه محرم و ... برگزاری مناظره‌های هیجان‌انگیز بین مبلغان مسلمان و مبلغان بی‌خدایی و ... هر کدام می‌تواند معجزه‌ای شگفت‌آور برای سنگین شدن وزنه اسلام‌گرایی و مسلمانان در اروپای غربی باشد.

این عامل شگفتی‌ساز، می‌تواند با همان پیشگویی آسمانی قرآن کریم در آخرین سوره این کتاب الهی منطبق باشد. سوره مبارکه نصر: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ \* وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا \* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا».

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

۱. اندیشکده اشراف، ۱۳۹۰، *آینده جمعیت مسلمان جهان*، ترجمه از اندیشکده اشراف، اردیبهشت.
۲. برایسون، ریچارد، ۱۳۹۱، *برنامه‌ریزی استراتژیک*، ترجمه دکتر مهدی خادمی، تهران، آریانا قلم، چ ۲.
۳. جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۹۴، *چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه*، تهران، مطالعات راهبردی، چ ۲.
۴. خزایی، سعید و امیر محمودزاده، ۱۳۹۳، *آینده پژوهی*، شاهین شهر، نشر علم آفرین.
۵. دفتر مطالعات و پژوهش‌های اداری، ۲۰۱۴، *آشنایی با مبانی آینده‌پژوهی*، مرکز آموزش و پژوهش‌های توسعه آینده‌نگری.
۶. روآ، اولیویه، ۱۳۸۷، *اسلام جهانی شده*، ترجمه دکتر حسن فرشتیان، قم، بوستان کتاب.
۷. صفوی همایی، سید حمزه، ۱۳۹۲، *همگرایی فرهنگی در اتحادیه اروپا و هویت مسلمانان*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.
۸. مجیدی محمدرضا و محمد مهدی صادقی، ۱۳۹۳، *اسلام‌هراسی غربی؛ واکاوی تحلیلی زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و بازناندیشی مولفه‌های تاریخی و نظری آن*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۹. ملکی فر، عقیل، ۱۳۸۶، *سمینارشنایی با آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری دفاعی*، تهران، اندیشکده آصف.
۱۰. هابرماس، یورگن، ۱۳۸۱، «زبان دین و زبان سکولار»، *مجله معرفت*، ش ۵۷، مصاحبه‌کننده حجت‌الاسلام دکتر علی مصباح و پروفسور محمد لنگه‌اوزن، شهرپور.
۱۱. وحیدی مطلق، وحید، ۱۳۸۷، *سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها*، تهران، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
12. Bangstad, Sindre, 2009, "Contesting Secularism, Secularism and Islam in the Work of Talal Asad", the Anthropological Theory, SAGE Publications, Vol 9 (2).
13. Berger Peter, 1967, "A Sociological View of the Secularization of Theology", Journal for the Scientific Study of Religion, Vol. 6, No. 1, Spring, p. 3-16.
14. Carr, Matt, 2006, *You Are Now Entering Eurabia*, Race&Class, Vol. 48, No. 1
15. Coleman, D. A. and S. Scherbo, 2005, "Immigration and ethnic change in low-fertility societies-towards a new demographic transition?", paper presented at the annual meeting of Population Association of America, Philadelphia.
16. Caldwell, Christopher, 2004, Islamic Europe? When Bernard Lewis Speaks, *The Weekly Standard*.
17. Cornish, Edward., 2003, "The Wild Cards in our Future", *The Futurist*.
18. Dassetto, F., 2004, *Islam du nouveau siecle*, Bruxelles: Editions Labor.
19. *Documentation of Euro-Islam Confrence Stockholm*, 1995.
20. Fukuyama, Fruncis, 2006, "Identity, Immigration & Democarcy", *Journeil of Democruacy*, Vol. 17, No. 2.

21. Roy, Olivier, 2003, "Euroe – Islam: The Jihad Within?", *National Interest*, Spring, Adler & Ziglio, *E. Gazing into the Oracle: The Delphi method and its application to social policy and public health*.
22. Graham, Murry, 2006, "France: the riots and the Republic", *Race and Class, Institute of Race Relations*.
23. aurence, JONATHAN, 2010, "*European Islam In the Year 1451*" of "*EUROPE 2030*", Brookings Institution Press, Washington, D.C.
24. Kaya, "Individualization and Institutionalization of Islam in Europe in the Age of Securitization", *Insight Turki*, Vol. 12, No. 1, 2010.
25. Lewis, Bernard, 2007, Europe and Islam, American Enterprise Institute.
26. Mortimer, 1999, "Christianity and Islam", *International Affairs CHATHAM HOUSE*, Vol. 67, No.1.
27. Peter, Frank, 2006, "Individualization and Religious Authority in Western European Islam", *Islam and Christian-Muslim Relations*.
28. Nilsen, Jorgen, 1999, *Towards a European Islam*, Macmillan Press, London.
29. Rabasa and others, 2007, Buizdirag Moderate Muslim Networks, *Rand center for middle East Public Policy*, at:  
[https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2007/RAND\\_MG574.pdf](https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2007/RAND_MG574.pdf).
30. Soysal, Y. N., 1997, "Changing Parameters of Citizenship and Claims - Making: Organized Islam in European Public Spheres", *Kluwer Academic Publishers, Theory and Society*, vol. 26, No. 40.
31. *The Future of the Global Muslim Population-translation*, January 27, 2011.
32. estoff and Frejka, 2007, "Religiousness and Fertility Among European Muslims", *Population and Development Review*.

